

## مقاله علمی

### مردم‌شناسی طریقت قادریه در منطقه هورامان کردستان

عزیز مصطفایی<sup>۱</sup>، منصور منصوری مقدم<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰)

#### چکیده

این مقاله حاصل پژوهشی میدانی در میان دراویش طریقت قادریه در منطقه هورامان استان کردستان است که با روش قوم‌نگاری انجام شده است. نگارندگان برای گردآوری اطلاعات به طور متناوب و به مدت چهار ماه در تکیه‌های عباس‌آباد و شیخ هادی در روستای دولاب و سایر روستاهای منطقه هورامان تخت و هورامان زاوهر در سه بازه زمانی و موقع برگزاری مراسم ذکر درویشان در میدان تحقیق حضور یافته و در مراسم شرکت کرده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، مطالعه نظام معنایی و فرهنگی طریقت قادریه و وضعیت فعلی و جایگاه اجتماعی و اقتصادی شیوخ در میان اهالی منطقه هورامان است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت آیین دین‌ورزی طریقت قادریه نوعی همبستگی اجتماعی را در میان پیروان این آیین و مناطق مختلف کردستان به وجود آورده است. قبل از انقلاب، گفتمان دینی دراویش قادری، چهره دین‌ورزی منطقه را شکل می‌داد؛ ولی به تدریج رواج بحث‌های جدیدی در اعتبار مطلق این گفتمان تغییر ایجاد کرده است. این بحث‌های جدید مجاللی را برای نقد عملکرد به وجود آورده‌اند و در بعضی موارد، دین‌ورزی دراویش همچون مؤلفه‌ای از سنت تلقی می‌شود. با وجود این، دین‌ورزی دراویش طریقت قادری هنوز تعبیری زنده و پویا از دین‌ورزی است. آنچه رخ داده است، قرار گرفتن دین‌ورزی دراویش قادری در حیطه‌ای معین‌تر و محدودتر است که حیطه‌ای معنوی، عرفانی و فردی است.

کلیدواژه‌ها: دین‌ورزی، تصوف، طریقت قادریه، منطقه هورامان

---

۱ کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه تهران azizmostafae@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) m.moughadam@gmail.com

## مقدمه

مناسک یکی از مهمترین جنبه‌ها در مطالعه مردم‌شناختی دین است. مناسک در ارتباط با نظام اعتقادی، کلیت نظام دینی را می‌سازد و معتقدان به یک نظام اعتقادی، در کنش‌های مناسکی خود نظام اعتقادی‌شان را به منصفه ظهور می‌رسانند. به عبارت دیگر مطالعه امر قدسی، مستلزم واکاوی دو مؤلفه است: مؤلفه عقیدتی و ذهنی و مؤلفه عینی و مناسکی. از زمانی که ردلف اتو<sup>۱</sup> در آلمان در سال ۱۹۱۷ به مطالعه امر قدسی پرداخت (۲۰۰۴: ۱۲۵) و همزمان در فرانسه امیل دورکیم<sup>۲</sup> به این مسئله توجه و آن را در مطالعات اجتماعی وارد کرد (۱۳۸۳: ۲۳۷) تا زمانی که پس از آنها الیاده<sup>۳</sup> این مفهوم را بسط داد (۱۳۷۵: ۲۵)، سیر مطالعه در مردم‌شناسی دین ابعاد گسترده‌تری یافته است. به نظر دورکیم، ماندگاری یک دین منوط به کارکردهای اجتماعی آن و وجود باورهای مشترک در معتقدان است که از طریق اعمال مناسکی تقویت می‌شوند (تامپسون و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷). به نظر دورکیم، امر قدسی علاوه بر اینکه جنبه انتزاعی و استعلاایی دارد، قابلیت درک عینی هم دارد، زیرا مناسک، ظهور و بروز می‌یابند. پس در دیالکتیک نظام اعتقادی و مناسک است که یک دین امکان ظهور و بروز می‌یابد. از این رو، مناسک را نمی‌توان فقط به منزله رفتار در نظر گرفت، بلکه مناسک کنش‌هایی معنادار هستند که از نظام اعتقادی سرچشمه می‌گیرند و معنای خود را از این منبع اخذ می‌کنند (نادری، ۱۳۹۵: ۱۴۵). با توجه به اینکه اکثر کردها سنی‌مذهب و پیرو فقه شافعی هستند و این زمینه مذهبی، آنها را از همسایگان ترک، آذری، عرب، فارس، ارمنی و لر جدا می‌کند (وان برونسن، ۱۳۷۸: ۲۳)، این امر جایگاه ویژه‌ای برای نفوذ تصوف باز کرده است. کردها مردمی صوفی‌منش و درویش مسلک‌اند و به یکی از طریقت‌های قادریه یا نقش‌بندی سر سپرده‌اند و هر جا مسجدی باشد، خانقاهی نیز وجود دارد (طیبی، ۱۳۷۴: ۲۹۲). به نظر حبیب‌الله تابانی (۱۳۸۰) یکی از عوامل مهم رشد تصوف در میان کردها، تطابق تصوف با جغرافیای عشایری و زیست‌عشایری است (پورمحمدی املشی و جوانمردی، ۱۳۹۶: ۴۳). داشتن اقتدار، تأثیر بر محیط، نوعی همخوانی با فضای اجتماعی کردستان و پیوستگی با برخی جنبش‌های ناسیونالیستی کردی، جایگاه ویژه‌ای به طریقت‌ها و شیوخ داده است. این همخوانی و تطابق با محیط از ویژگی‌های اکثریت تصوف و

1 Otto  
2 Durkheim  
3 Eliade

گروه‌های صوفی در سراسر جهان است. به اعتقاد وان برونسن<sup>۱</sup> (۱۳۷۸) رفتار و اعمال صوفیانه نسبت به مکان و زمان تغییرپذیر بوده و در طول تاریخ تغییر کرده است. رفتار و عمل صوفیانه به صورت دلخواه و برای مورد قبول واقع شدن، متمایل به سازگاری با اشکال فرهنگی مردم هر منطقه است؛ هر چند تعداد اندکی از این اعمال در بین آنان مشابه‌اند. آنها شامل مراجعه به مقبره‌های انسان‌های پرهیزگار، به ویژه اگر برای شفاعت یا کمک باشد، استفاده از موسیقی، رقص و مواد خلسه‌آور (مخدر) که باعث ایجاد وجد و خلسه و تحت تأثیر قرار دادن هوشیاری می‌شوند، نیایش به درگاه شیوخ یا استفاده از کرامات شیوخ زنده از طریق بیان ذکر و دعا، نسبت دادن قدرت‌های فرانسانی به شیوخ و همچنین تسلیم بدون قید و شرط مریدان به بزرگان اهل تصوف است. همو معتقد است که نمونه این نوع همخوانی در کردستان از بعد سیاسی، سعید پیران و بارزانی‌ها هستند (۱۹۹۴). باور به تصوف به خصوص طریقت‌های قادری و نقش‌بندی علاوه بر جنبه اعتقادی و مناسکی، یکی از ارکان نظام اجتماعی کردستان بوده است. در سال‌های اخیر، این طریقت‌ها و به تبع آن باورها و مناسک آنان از دو سو مورد حمله قرار گرفته‌اند، یکی از جانب باورهای عقلایی افراد تحصیل‌کرده در کردستان و دیگری از طرف گروه‌های سلفی در منطقه. این دو گروه تأثیر بسیار زیادی بر کاهش باور به این طریقت‌ها و در نتیجه کاهش اعتقاد و معتقدان به آن داشته‌اند (مفاخری باشماق و سلطانیان، ۱۳۹۸). این جنبه از ناکامی تصوف از دید اقبال لاهوری جنبه عام دارد: «مکتب‌های اصیل‌تر تصوف، بدون شک، با شکل دادن و توجیه تکامل تجربه دینی در اسلام، خدمت بزرگی انجام داده‌اند، ولی نمایندگان روزهای اخیر این مکتب‌ها، از جهت جهلی که نسبت به روحیه زمان جدید داشته‌اند، قابلیت آن را که از اندیشه و تجربه جدید الهام پذیرند، از کف داده‌اند. پیوسته روش‌هایی را تکرار می‌کنند که برای نسل‌هایی ایجاد شده بوده است که چشم‌انداز فرهنگی ایشان، از جنبه‌های مختلف، با ما تفاوت بسیار داشته است» (۱۳۴۵: ۱). در کردستان نیز جریان علم‌گرایی و رشد عقلانیت که تحت تأثیر تحصیلات مدرن و برخی عوامل بوده است، باعث گسترش رد و عدم باور به بسیاری از مناسک مذهبی به ویژه مناسک طریقت‌ها در کردستان شده است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۳۶؛ منصوری مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۶). علاوه بر تأثیر علم‌گرایی و عقلانیت ناشی از آن، یکی از عوامل مهم و مؤثر بر کاهش باور به تصوف و طریقت‌ها، پیدایش و رشد جریان‌های

1 Bronsen

اسلامی مدرن و به ویژه سلفیون در کردستان است. یکی از ارکان عقیدتی گروه‌های سلفی در کردستان که از طریق آن سعی در شناسایی خود به عنوان یک دین برحق دارند، حملات دامنه-دار و بسیار زیادی است که در سخنرانی‌ها و تبلیغات خود بر علیه شیوخ و طریقت‌های کردستان انجام می‌دهند. این حملات به گونه‌ای است که مخاطب در مرحله اول فکر می‌کند که آنها تبلیغ‌گر دین خاصی نیستند و فقط در پی زدودن خرافه‌ای به نام شیوخ و باور به آنان هستند، اما واقعیت این است که این جریان از این طریق در پی القاء و تبلیغ عقاید خود است (همان، ۱۳۹۶: ۳۳۷). همزمان با تأثیر این عوامل مهم، فضای مناسکی و دینی گذشته کردستان با تنوع و انواع مراسم خود از بین می‌رود و شاهد رشد نوعی از مدرنیسم دینی هستیم و همزمان با نفوذ گروه‌های بنیادگرا در این معتقدان مردد، می‌توان شاهد گسترش سلفی‌گری و رشد خشونت در میان مردم منطقه بود. بر همین اساس لزوم آشنایی با تصوف و مناسک و عقاید آنان بسیار مهم است و به همین دلیل، این پژوهش به مطالعه مردم‌شناختی طریقت قادریه در منطقه هورامان استان کردستان پرداخته است.

### چهارچوب مفهومی

تاکنون تعاریف متعددی از دین بیان شده است. به نظر ادوارد برنت تایلور<sup>۱</sup>، تعریف حداقلی از دین عبارت است از «باور به موجودات روحانی» (بووی، ۱۳۹۴: ۳۱). تعریف دیگر از دین که نسبتاً متفاوت با تعریف قبل، ولی به همان اندازه تأثیرگذار بوده، از طرف کلیفورد گیرتز<sup>۲</sup> مردم‌شناس معاصر آمریکایی بیان شده است: «دین نظامی از نمادهاست که کارش استقرار حالات روحی و انگیزه‌های قدرتمند، فراگیر و دیرپا در میان انسان هاست» (همان: ۳۱). زاکرمن<sup>۳</sup> جنبه اجتماعی به تعریف دین و مذهب می‌دهد و معتقد است در عین اینکه دین و مذهب به ارتباط یا پیوند با خدا یا واقعیت برین دیگری در آن بیرون مربوط می‌شود، اما مهمتر از آن (و به نحوی قابل مشاهده) دین و مذهب به ارتباط یا پیوند با مادر یا پدر یا شوهر یا زن یا خواهر یا دوست بر روی همین زمین خاکی بستگی دارد (۱۳۸۴: ۱۰۰). در واقع دین را می‌توان همچون تعریف اوتو، کنش و واکنش افراد با «امر مینویی» تعریف کرد. واژه‌ای که مشخص‌کننده احساس یا تجربه رازآلودگی

1 Edward Burnett Tylor

2 Clifford Geertz

3 Zuckerman

عمیق عظمت بیان‌ناشدنی است، چیزی فراتر از فهم عقلایی، زیباتر و عظیم‌تر از آنکه به بیان درآید و یک حس هول‌انگیز، افسون‌ساز، دهشتناک، و نشئه‌کننده از احساس عمیق رازآلودگی (همان، ۲۶). هر چند در این زمینه توجه به جنبه مینویی و رازآلودگی مهم است، اما باید این نکته را در نظر گرفت که دین و قدرت‌های عرشی فقط در میان انسان‌ها و میانجی‌گری فرهنگی قابل طرح‌اند (بک فورد، ۱۳۸۹: ۲۰). در پرداختن به دین، فهم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی و اجتماعی دین، حتی جنبه سیاسی و اقتصادی آن نیز مهم است. از این رو نباید در تعریف آن فقط به جنبه الهیاتی و فرازمینی و جادویی‌اش تأکید کرد. به اعتقاد زاکرمن دین همیشه درگیر و گرفتار محیط اجتماعی فرهنگی خاصی است. نیروهای اجتماعی، نهادهای انسانی و فرآورده‌های فرهنگی دائماً بر تجربه‌ها و نهادهای دینی تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارند و به آنها شکل می‌دهند. به نظر زاکرمن هر چیزی که در زندگی اجتماعی اهمیت دارد، در زندگی دینی نیز اهمیت خواهد داشت. دین چه تقویت کند، چه نکوهش، چه بجنگد یا همراهی کند، همیشه در هر موقعیت تاریخی پیوندی محکم و تفکیک‌ناپذیر با هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها، نمادها و نهادهای خاص فرهنگ گسترده‌تر دارد که در درونش جای گرفته است (۱۳۸۴: ۱۴۱). البته زاکرمن در بخش دیگری بر تأثیر متقابل دین بر زندگی اجتماعی تأکید دارد و می‌گوید «دین به طور متقابل بر این محیط تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی فرهنگی را شکل می‌دهد» (همان، ۱۷۶). بنابراین بعد اصلی دین در تعریف، دین‌ورزی است. دین‌ورزی به معنای اعمال، رفتارها و اعتقاد به باورهای دینی است. در یک تعریف کلی می‌توان دین‌ورزی را «انجام اعمال و اعتقاد به باورهایی در نظر گرفت که فرد عامل و معتقد، آنها را به عنوان عمل و باور دینی تلقی می‌کند». اما می‌توان دین‌ورزی را به لحاظ ساختاری به دو گونه متفاوت تقسیم کرد؛ یکی دین‌ورزی شکل‌گرا و دیگری دین‌ورزی بی‌شکل. منظور از دین‌ورزی شکل‌گرا گونه‌ای ساختاری از دین‌ورزی است که مبتنی بر قواعد و قوانین عینی است که انطباق با این قواعد و قوانین ضرورت دارد. این قوانین عینی به صورت قالب‌های رفتاری و باورهای اعتقادی متبلور می‌شوند. به عبارت دیگر مرجع و منشأ دین‌ورزی به صورت عینی در بیرون از فرد قرار دارد و فرد باید خود را با این ضوابط بیرونی و عینی مطابقت دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت که دین‌ورزی شکل‌گرا، برون‌گرا است. شاخص‌های اتنوگرافیک دین‌ورزی شکل‌گرا، وجود مناسک متعین و تعریف شده است که در آن مراحل مناسک، نقش افراد و نحوه اجرای اعمال کاملاً مشخص شده‌اند. مانند نماز جماعت مسلمین که مراحل آن

(رکعت نماز)، نقش امام (امام، مأموم، مکبر) و نحوه اجرای اعمال (حالات بدنی در رکعت‌های نماز و اوراد مشخص در هر رکعت) کاملاً معین هستند. شاخص دیگر، وجود سلسله‌مراتب تعریف‌شده و اکید روحانی است که تخطی از آنها جایز نیست؛ مانند سلسله‌مراتب روحانی در مسیحیت کاتولیک که با تعریف مناصب مختلف و وظایف و اختیارات هر منصب همراه است (مولند، ۱۳۶۸: ۷۹-۸۰). جورج زیمل<sup>۱</sup> در مورد جهان دینی می‌گوید: «جهان دینی با احتجاجات، قضایا و ترکیبات جدید زاده می‌شود. محتوای جهان دین نیز بی‌تردید از مفاهیم روح و هستی، تقدیر و گناه، سعادت و قربانی تا تار مویی که بر فرق سر است، تا گنجشکی که بر پشت بام است ساخته شده است. حیات دینی جهان را می‌آفریند، کل هستی را با کلید خاصی معنا می‌کند» (۱۳۸۸: ۲۰). در دین‌ورزی شکل‌گرا معیار درست و نادرست (مقبول بودن یا نبودن) مطابقت رفتارها با قواعد هنجاری تعریف شده در دین است. اما در دین‌ورزی بی‌شکل، مبنای دین‌ورزی، احساسات و منویات درونی است و دین‌ورزی مطلوب، انطباق و پیروی از منویات و دریافت درونی است. به لحاظ شاخص‌های اتنوگرافیک، مناسک در دین‌ورزی بی‌شکل تعیین ندارند یا تعیین کمتری دارند و مغشوش‌تر هستند و در واقع احساسات و احوال درونی افراد، ظاهر مناسک را شکل می‌دهد؛ مانند مناسک «ذکر» در دراویش قادری که در واقع محملی برای بروز احساسات درونی دراویش است (موسایی و عزیزبانی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۳). اگر صوفیه را نوعی نظام اعتقادی در نظر بگیریم که از تعالیم اسلامی سرچشمه گرفته و در یک سیر تاریخی به دوران حاضر رسیده است، این نظام اعتقادی نحوه‌های مختلف بروز و ظهور در فرقه‌های خاص آن داشته است که در اشکال مناسکی آن جالب توجه است. در این میان طریقت قادریه از قدیمی‌ترین سلسله‌های تصوف محسوب می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۸۰). عبدالقادر از سادات حسنی و ملقب به قطب اعظم و شیخ مشرق است. اگرچه او را برخی از «جیل» بغداد دانسته‌اند، اما شهرت وی بیشتر به شمال ایران و گیلان مشهور و منسوب است (کیانی، ۱۳۶۹: ۶۹). پیروان عبدالقادر گیلانی را اهل طریقت قادریه می‌نامند که یکی از اصلی‌ترین سلسله‌های صوفیه است و سلسله‌های سهروردیه، نعمت‌اللهی و چشتیه از آن منشعب شده‌اند. نسب وی را از طریق امام حسن (ع) به امام علی (ع) می‌رسانند و لقب وی مرد شرق بوده است. او نخستین کسی است که در صوفیه به او «ولی» گفته‌اند و مریدان، وی را به صفات غوث‌الثقلین، شیخ کل، شیخ مشرق و غوث گیلانی

1 George Simmel

نیز می‌خوانند. پیروان قادریه اکنون در عراق، سوریه، ترکیه و ایران هستند. در ایران در بخش‌هایی از استان کردستان و کرمانشاه، معتقدان به این مکتب هنوز به آن پایبند هستند. طریقت قادری نظام اعتقادی پیچیده‌ای دارد که این نظام سرمنشأ اعمال مناسکی آن نیز هست. مناسک اگرچه نتیجه مستقیم نظام اعتقادی و ارزشی و باورهای قادریه است، اما در طول زمان به منزله امری تاریخی سیر تکاملی داشته است. به این معنا که عناصر مختلفی از فرهنگ‌های بومی وارد آن شده و البته تا حدی رمز ماندگاری آن نیز همین امر بوده است. یک نکته مهم که تفاوت قادری با نقش‌بندی است، این است که طریقت نقش‌بندی بیشتر شریعت‌گرا و پیرو شریعت، سنت پیامبر و به دور از بدعت‌ها است، اما در طریقت قادری خوارق عادات (سیخ‌زنی، خوردن آتش و خودزنی) و به طور کلی ذکر اهمیت داشته است (زارعی مهرورز، ۱۳۹۴: ۷۱).

### روش پژوهش

روش تحقیق کیفی بر خلاف روش کمی که انسان را به مثابه شیء یا پدیده اجتماعی / طبیعی تلقی می‌کند، او را موجودی خلاق، مبتکر و فعال در نظر می‌گیرد که جهان اجتماعی خود را می‌سازد. بر اساس این روش، هر گونه بررسی در مورد واقعیت اجتماعی، در زندگی انسان‌ها ریشه دارد. بنابراین بر اساس روش‌شناسی کیفی، انسان، محور و منبع اطلاعات است. در این نوع تحقیق، محققان از مردم درباره دیدگاه‌ها، معانی و سازوکارهای زندگی آنها سؤال می‌کنند. آنها از مردم طوری سؤال می‌کنند که بتوانند با زبان و کلمات خاص خودشان پاسخ دهند. چون معنای رفتار انسان‌ها غالباً پیچیده و در ظاهر بدیهی است. بنابراین سؤال‌های عمیق در قالب مصاحبه‌های باز، محور اصلی انجام مطالعه را شامل می‌شوند (Bryman, 2004; Newman, 1998). قوم‌نگاری (اتنوگرافی) به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی با درگیری فعال محقق در میدان، دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی از گروه‌ها یا فرهنگ‌ها است. مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و در نهایت تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه و بستر مورد مطالعه، باعث دیدی جامع‌نگر در تحقیق قوم‌نگاری با اعتبار نسبتاً بالایی شده است. قوم‌نگاری بر اساس بنیان نظری مبتنی بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیف دقیق و فشرده از مورد مطالعه می‌پردازد (ایمانی، ۱۳۸۱: ۳۷). مقاله حاضر در حوزه مطالعات مردم‌شناسی دین قرار می‌گیرد. برای انجام این مطالعه از رویکرد کیفی و روش قوم‌نگاری استفاده شده است. این مطالعه در بازه زمانی تابستان سال ۱۳۹۶ از اوایل تیر تا اواسط شهریور

ماه انجام شده است و نگارندگان با حضور در میدان تحقیق در استان کردستان و منطقه هورامان، در آغاز کار به مطالعه نظام معیشتی منطقه هورامان پرداخته‌اند. به همین منظور کار خود را از روستاهای منطقه هورامان تخت آغاز و بعد در بخش هورامان ژاوه‌رو بخش سیروان حضور پیدا کرده‌اند. شایان ذکر است که در منطقه هورامان استان کردستان سه تکیه در روستاهای «عباس‌آباد»، «دولاو» و «تا» وجود دارد که نگارندگان در دو تکیه اول حضور یافته و به مطالعه در این زمینه پرداخته‌اند.

### معرفی مردم مورد مطالعه

هورامان منطقه‌ای کوهستانی و خشن است و به لحاظ جغرافیایی موانع طبیعی متعددی دارد که زندگی ساکنان آن را تحت تأثیر قرار داده است و در تماس اولیه، توجه رهگذران را به خود جلب می‌کند. با وجود کوه‌های بلند و صخره‌ای، دره‌های عمیق، آب و هوای گرم و خشک در تابستان و زمستان‌های خشن، مردم هورامان در طول تاریخ سعی داشته‌اند به شیوه‌های متعدد با محیط خود انطباق پیدا کنند و با آن سازگار شوند. همانند معماری، موسیقی و دیگر صناعات فرهنگی، فعالیت‌های اقتصادی منطقه هورامان نیز تحت تأثیر شرایط طبیعی منطقه است؛ بدین معنا که نبود زمین‌های مسطح و هموار، فعالیت‌های زراعی را در این منطقه محدود کرده و ساکنان را به سمت صنایع دستی، دامداری و باغداری سوق داده است. مردم مورد مطالعه ما یعنی ساکنان منطقه هورامان، کردزبانانی هستند که به گویش هورامی که خاص مناطق هورامان است و مطابق با نظر بسیاری از صاحب‌نظران شباهت زیادی به زبان اوستایی دارد، تکلم می‌کنند (رستم، ۲۰۰۸: ۱۱۸). مردم هورامان از نظر مذهبی، عموماً تابع دین اسلام و مذهب تسنن شاخه شافعی هستند. با این حال طریقت‌های مذهبی و عرفانی همانند قادریه و نقش‌بندیه، نقش مهمی را در اداره امور مذهبی منطقه بازی کرده‌اند. شعائر دینی برای مردم هورامان اهمیت بسیاری دارد. از نظر مردم هورامان، منطقه هورامان سرزمینی مقدس، با سابقه مذهبی یا به قول آنها سرزمین ۹۹ پیر است. این سرزمین از نظر آنان مکانی برای عبادت و بندگی بوده است؛ مکانی خلوت، سخت و خشن برای کسانی که می‌خواهند پرهیزگار باشند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۳۲). هورامان منطقه‌ای یکپارچه با مرزهای مشخص و در یک محدوده جغرافیایی نیست، به طوری که در یک شهر یا کشور واقع شود، بلکه شهرها و روستاهای زیادی را در برمی‌گیرد که بین دو کشور ایران و عراق قرار گرفته‌اند. هورامان اکنون در تقسیمات کشوری بین دو استان کردستان



و کرمانشاه تقسیم شده است و در تقسیمات بین‌المللی نیز بین دو کشور عراق و ایران واقع است. این حوزه فرهنگی، از چهار ناحیه بزرگ تشکیل شده است که یک ناحیه آن در خاک اقلیم کردستان با مرکزیت شهر طویله است و ناحیه دیگر به نام لهون در استان کرمانشاه قرار دارد که مرکزیت آن شهر نوسود است. دو ناحیه دیگر هورامان، در غرب استان کردستان شامل هورامان ژاوه‌رو که مرکز آن روستای بیساران است و دیگری شهر هورامان که مرکز آن شهر هورامان تخت و زادگاه پیر شالیار است. شهرهای پاوه، نوسود و نودشه نیز در محدوده هورامان لهون هستند. با توجه به این تقسیم‌بندی، جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، استان کردستان و دو بخش هورامان تخت و هورامان ژاوه‌رو است. افراد مورد مطالعه در این تحقیق که با آنها مصاحبه شد، شامل شیوخ، دراویش پیر و جوان و برخی از زنان حاضر در تکیه بودند که با قصد زیارت و شرکت در مناسک ذکر، حضور پیدا کرده بودند.

### پیشینه تصوف در کردستان

تصوف در کردستان تاریخ طولانی دارد. زارعی مهرورز معتقد است بعد از سرکوب خرم‌دینان حدود سده سوم هجری کردها با تصوف آشنا شدند (۱۳۹۴: ۷۲). وان برونسن نیز معتقد است که در سده‌های ۵ و ۶ هجری، طریقت قادری در عراق، سوریه و کردستان گسترش یافته است و سعادت نهری اولین خاندانی بودند که پیرو این طریقت و مروج آن شدند (۱۹۹۴: ۲۱۶). طریقت‌های صوفیانه در کردستان ریشه‌ای طولانی دارند و یکی از نکات مهم این است که برداشت‌های غیرفقهی آنان از دین، صبغه‌ای بسیار متساهل و به نوعی فارغ از داعیه‌های سیاسی مذهبی داشت (احمدی و نمکی، ۱۳۹۶: ۶). به اعتقاد نیکتین فکر تصوف تنها فکر مذهبی است که در کردها به صورت عمل درمی‌آید و کردها خود نیز به صورت کاملاً ابتدایی به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند. به نظر تابانی نیز یکی از عوامل رشد تصوف در منطقه غرب و نواحی کردنشین این است که تصوف با جغرافیای عشایری کاملاً تطابق دارد و تا زمان جنبش‌های ناسیونالیستی تا حدودی غیرسیاسی ماندند (پورمحمدی املشی و جوانمردی، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۳). اما با از بین رفتن قدرت حکام گُرد و با ایجاد خلاء قدرت در کردستان، شیوخ قدرت گرفتند و توانستند پل ارتباطی بین خاندان‌ها و مردم باشند و رهبری بسیاری از شورش‌ها را در دست گیرند. عبیدالله نهری و پیران از برجسته‌ترین شیوخ مبارز کرد هستند (همان: ۴۴). در کردستان بیشتر مردم علاوه بر اعتقاد دینی و مذهب شافعی، پیرو یکی از طریقت‌های صوفیانه نقش‌بندی

و قادری بوده‌اند که تکایا و خانقاه‌های آنها در نواحی مختلف کردستان، در شهرها و روستاها پراکنده هستند. اما با این حال، شیوخ آنها عمدتاً در کردستان عثمانی می‌زیستند. بدین ترتیب و به مرور، در همه کردستان یک شبکه صوفیه تشکیل شد. کردها در کشمکش‌های سیاسی و مذهبی، همیشه زمینه مساعدی را برای انتقال قدرت به شیوخ فراهم کرده‌اند. این شیوخ قدرت مذهبی و اجتماعی فراوانی داشتند و قلمروشان بسیار فراتر از قلمرو حاکمان محلی بود. برای آنها مرزهای سیاسی میان ایران و عثمانی به هیچ وجه اهمیت نداشت. در آغاز شیوخ فقط رؤسای روحانی بودند، اما به تدریج نفوذشان افزایش یافت؛ به طوری که در آغاز قرن چهاردهم قمری (بیستم میلادی) به رهبران صاحب قدرت سیاسی تبدیل شدند. در قرن سیزدهم قمری (نوزدهم میلادی) شیوخ ساکن عثمانی به ویژه شیوخ نقش‌بندی، رهبری برخی از جنبش‌ها و شورش‌ها را به عهده گرفتند و طریقت نقش‌بندی، در دوره مورد بررسی، به لحاظ نفوذ و تعداد پیروان بر طریقت قادری غلبه یافت. رهبران این طریقت‌ها در دوره سرنوشت‌ساز مشروطه تا جنگ جهانی اول، در حوادث مهمی مانند نهضت مشروطه، شورش‌های سالارالدوله و جنگ جهانی اول نقش فعالی ایفا کردند (زارعی مهرورز، ۱۳۹۴: ۶۶). بر این اساس، در کردستان نقش‌بندی و قادریه بانفوذترین طریقت‌ها به شمار می‌رفتند و توانستند حدود مرزهای قبیله‌ای را پشت سر بگذارند. طریقت قادریه شعبه‌هایی در کردستان داشت که از آن میان می‌توان از برزنجی، طالبانی و هاشمی نام برد (مک داوول، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

### طریقت در هورامان

تصوف در هورامان تعبیری رایج و زنده از دین‌ورزی است و در جای جای منطقه، زیارتگاه‌هایی منسوب به «اولیاء» و مقدسان از اهل طریقت وجود دارد. مضاف بر این که تکایا و خانقاه‌های اهل طریقت در همه شهرها و حتی بسیاری از روستاها وجود دارد که محل تجمع اهل طریقت و نیز مردم عادی است. برای درک بهتر وضعیت تصوف در هورامان باید آن را در مقابل تعبیر رایج دیگر دین‌ورزی قرار داد که تعبیر علمای مذهبی یا روحانیان است که در زبان محلی ایشان را «ماموستا» یا «ملا» می‌نامند. تعبیر ماموستاها برداشتی متشرعانه و مبتنی بر سنن فقهی کلامی است و بنابراین می‌توان تعبیر ایشان از دین‌ورزی را شکل‌گراتر دانست. هر چند که بسیاری از ماموستاها رویکرد مثبتی به طریقت ندارند و آن را مقارن بدعت می‌دانند، ولی در مقابل، گروه دیگری از ایشان رویکرد مثبتی به طریقت دارند و بعضاً خود نیز در سلک اهل طریقت هستند. به هر حال

نفوذ آیین درویشی در هورامان و سایر نواحی کردستان به قدری است که ملاحظا هم نمی‌توانند دین‌ورزی شریعت‌مدارانه خود را بدون توجه به ارزش‌های عرفانی، که طریقت پرچم‌دار آن است، تبلیغ کنند. در منطقه هورامان، دو طریقت عمده، یکی طریقت قادریه و دیگری طریقت نقش‌بندیه رواج دارد. در میان مردم منطقه هورامان برای کسانی که طریقت قادری را می‌پذیرند، اصطلاح درویش و برای کسانی که طریقت نقش‌بندی را می‌پذیرند، اصطلاح صوفی به کار برده می‌شود. علاوه بر دیدگاه مردم درباره آنها، مریدان و پیروان آنها به لحاظ خصوصیات ظاهری هم از یکدیگر متمایز هستند. یعنی دراویش طریقت قادریه معمولاً موهای سرشان را بلند نگه می‌دارند که در اصطلاح به آن «پرچ»<sup>۱</sup> می‌گویند، ولی موهای صورت‌شان را ماشین می‌زنند. بر عکس، دراویش طریقت نقش‌بندی اجازه نمی‌دهند موهای سرشان بلند شود، ولی اکثراً ریش‌شان را بلند نگه می‌دارند. یکی دیگر از تمایزات آنها از یکدیگر این است که به محل جمع شدن دراویش طریقت قادریه برای ذکر، تکیه می‌گویند. تفاوت عمده دیگر این است که دراویش طریقت قادریه بعضی مواقع در مراسم یا حین ذکر، قادر به انجام کارهای غیرعادی هستند که صوفیان نقش‌بندی آنها را انجام نمی‌دهند؛ مثلاً موقعی که مشغول ذکر هستند، ممکن است بعضی از آنها از خود بی‌خود شوند که در اصطلاح به این وضعیت «حالیات» گفته می‌شود. با وجود تفاوت‌هایی بین این دو طریقت، تشابهاتی نیز بین آنها مشاهده می‌شود؛ از جمله اینکه هدف اصلی و نهایی هر دو همان توبه و بازگشت به سوی خداوند از طریق ذکر او است؛ ذکر به هر صورت که انجام شود (موسایی و عزیزبانی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

### یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌های میدانی نمی‌توان صورت‌بندی عام ارائه داد. به نظر برخی محققان، تحلیل داده‌ها امری وضعی است و به نیازها و ملزومات خاص هر پژوهش مربوط می‌شود. در اینجا به این شیوه عمل کرده‌ایم: فرایند برداشتن بدنه اصلی داده‌ها و تجزیه آن به عناصر تشکیل‌دهنده.

### ارکان اجتماعی و مذهبی طریقت قادری در منطقه هورامان

در طریقت قادریه سه شخصیت خاص یعنی شیخ ارشاد، خلیفه و درویش، نقش مهمی را به عهده دارند.

الف- شیخ ارشاد: در رأس هر شاخه از طریقت قادری یک شیخ به عنوان رئیس طریقت قرار دارد و جانشین‌ها یا خلیفه‌هایی از جانب او منصوب می‌شوند که در مناطق مختلف به نیابت از او به هدایت درویش و برگزاری مراسم اقدام می‌کنند. «شیخ ارشاد یا رئیس طریقت یا پیر طریقت به کسی گفته می‌شود که در یک دوره زمانی خاص، رهبر و سردسته درویش و خلفا باشد» (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۰۲). شیخ ارشاد به لحاظ منزلت اجتماعی در بین خلفا و درویش از بالاترین رتبه و درجه احترام برخوردار است. همچنین همه برنامه‌های ذکری که او تعیین می‌کند، خلفا و درویش می‌پذیرند. شیوخ طریقت قادریه که در حلقه این طریقت قرار می‌گیرند، این عنوان را از اجداد خود به ارث می‌برند و تحت نظارت و تعلیم پدر یا بزرگ خاندان این طریقت، در چهار مرتبه قرار می‌گیرند. نخستین آنها مرتبه «مبتدی» است و او جوینده‌ای است که همواره در دوره آموزش و ریاضت کشیدن است. دوم «مندرج» است و او کسی است که ریاضت صوفیانه را تمرین می‌کند تا حدی که نفسش فرمان او را اجابت کند. سوم «شیخ» است و او آموزنده رئیس طریقت و اداره‌کننده خانقاه است و چهارمین مرتبه، «پیر» مشایخ و نشان‌دهنده راه‌ها، مرجع برتر و عالی‌تر در نظام طریقت است.

ب- خلیفه: شیوخی که بخواهند نفوذ شخصی یا طریقت خود را در منطقه‌ای گسترش دهند، خلفا را انتخاب می‌کنند و آنها را به آنجا می‌فرستند تا طریقت را منتشر کنند و پیروان خود را سازمان دهند. در طریقت قادریه، خلیفه به کسی گفته می‌شود که شیخ ارشاد او را به عنوان جانشین خود انتخاب کند و نامه‌ای به صورت مکتوب به او داده باشد. دلیل انتخاب خلیفه این است که چون درویش به لحاظ جغرافیایی گستردگی دارند و در مناطق مختلف پخش شده‌اند، شیخ ارشاد به منظور ارتباط با درویش و فرستادن برنامه‌های ذکری خود به آنها، دسته‌ای از درویش را که به لحاظ سواد، اخلاق و شیوه رفتار مناسب‌تر باشند، به عنوان خلیفه انتخاب می‌کند. درویش موظف‌اند دستورات خلیفه را همانند دستورات شیخ ارشاد بپذیرند. شایان ذکر است که شیخ ارشاد برای درویش مرد، خلیفه مرد و برای درویش زن، خلیفه زن انتخاب می‌کند. «سر ذاکر» که یکی دیگر از مراتب در نظام اجتماعی طریقت است از جانب خلیفه تعیین می‌شود و البته جزو ارکان فرعی این طریقت است.

ج- درویش: در اصطلاح طریقت قادریه، درویش به کسی گفته می‌شود که طریقت قادریه را از طریق شیخ ارشاد یا از طریق خلیفه پذیرفته باشد. درویش قادریه خودشان را مرید و تابع برنامه‌های ذکری شیخ ارشاد می‌دانند. در نظام اجتماعی طریقت قادری «درویش» به دو گروه

تقسیم می‌شود. یک گروه را که فعال، مخلص و جسور هستند، دیوانه می‌نامند و گروه بعدی از درویش ساده است. کسی که می‌خواهد درویش شود باید از آیین بیعت و عهد، اطلاع داشته باشد و آداب دست در دست گذاشتن با شیخ یا خلیفه را بداند. اما در مورد پذیرفتن طریقت یا درویش شدن زنان وضعیت به گونه‌ای دیگر است. چون زن شرعاً نمی‌تواند دست خود را در دست شیخ یا خلیفه بگذارد، در این موارد از یک تسبیح استفاده می‌شود؛ به طوری که یک طرف تسبیح در دست زن و طرف دیگر آن در دست شیخ/خلیفه قرار می‌گیرد. بیعت دست در دست گذاشتن گرچه امری رسمی و آدابی است، اما در حقیقت بسیاری از رازهای درونی و عاطفی را دربردارد و بنابراین «رسم روحی و تماس عاطفی» نام گرفته است. از طریق این ارتباط، مرید با روحانیت و معنویت استاد طریقت بیعت می‌کند که او نیز با شیخ بزرگ و همان طور مشایخ و از همین طریق با رسول اعظم مرتبط می‌شود و یک نوع بیعت با رسول خدا (ص) خواهد بود. کسی که می‌خواهد در سلک درویشان (پیروان طریقه قادریه) قرار گیرد، دو زانو در مقابل شیخ یا خلیفه می‌نشیند. سپس باید دست راست خود را در دست مرشد بگذارد، توبه کند و از تمام گناهان صغیره و کبیره‌ای که مرتکب شده است، اظهار ندامت کند و متعهد شود که دیگر مرتکب گناه نشود. مرشد هم پس از به زبان آوردن نام خدا و پیغمبر و سلسله مشایخ طریقت به درویش توصیه می‌کند که همه آنها را شاهد بگیرد تا دیگر از راه راست خداپرستی و انجام وظایف مذهبی طریقت عدول نکنند.

### چگونگی درآمدن به طریقت قادریه و خروج از آن

برای کسی که بخواهد وارد طریقت قادریه شود، آداب خاصی وجود دارد؛ به این ترتیب که ابتدا شخص طالب دو زانو مقابل خلیفه (شیخ) می‌نشیند و دست راست خود را در دست خلیفه قرار می‌دهد و از همه گناهان خود اعلام برائت و استغفار می‌کند. سپس خلیفه نام پیامبر و همه مشایخ قادریه را بر زبان می‌آورد و او تکرار می‌کند و تمام آنها را شاهد می‌گیرد که در صراط مستقیم باقی بماند و چنانچه حقی از کسی بر گردن دارد و نیز حق‌الله را ادا کند. بدیهی است توبه در طریقت، مقامی از مقامات تصوف و اولین گامی است که سالک باید در طریقت قادریه بپیماید. مرشد در اجرای بیعت، مرید را در مقابل خود می‌نشانند و زانوهای خود را به زانوهای او می‌چسبانند و دستش را در دست او می‌گذارد. اگر مرید زن باشد، با حضور شوهر، پدر یا خواهران هم‌طریقتی خود یک قدم عقب‌تر از مرشد در سمت راست او قرار می‌گیرد و با گرفتن

تسبیح یا عبای مرشد (به جای دادن دست)، مرشد سوره فاتحه را قرائت و ثواب آن را به روح مبارک پیغمبر، رهبر طریقت قادری و مشایخ سلسله خود هدیه می‌کند. سپس آیات و اذکاری را به مرید تلقین می‌کند و بدین ترتیب مرید با مرشد بیعت می‌کند. پس از آن، مرشد آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کند و در آخر، بیعت با زبان کردی انجام می‌شود. خروج از طریقت نیز با دو روش اختیاری و اخراج فرد انجام می‌شود. بعد از ورود به طریقت، شخص باید نماز و روزه خود را مرتب و سر وقت بخواند، گناهان گذشته را انجام ندهد و اگر توانایی داشته باشد چهل روز به عبادت و ریاضت بپردازد تا آثار گناه به طور کامل زدوده شود که به این عمل در اصطلاح محلی «چله کیشی» گویند. بعد از آن شیخ توبه درویش را باور می‌کند و به شخص تازه‌وارد عنوان درویش داده و اجازه می‌دهد که بعضی از کارهای خارق‌العاده را در موارد لزوم برای مقابله با منکران انجام دهد (مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، ۱۳۹۶).

### گردآمدن درویش در تکیه و اجرای مناسک خاص

تصوف و عرفان در فرهنگ اعتقادی و زندگی اجتماعی مردم هورامان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهمترین ویژگی این طریقت، مراسم ذکر است. این مراسم در دو روز مشخص در هفته برگزار می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر مراسم در زندگی اجتماعی و سیاسی اهالی منطقه است. درویش قادر به دوشنبه شب‌ها و پنج‌شنبه شب‌ها در تکیه جمع می‌شوند و این تجمعات چند دلیل دارد: اول ذکر کردن که منظور و هدف اصلی درویش از تجمع در تکیه است. برای این کار، یکی از درویش که عنوان خلیفه دارد، شروع به خواندن ذکر می‌کند و در این هنگام تعدادی از درویش که با دف زدن آشنا هستند و صدای خوبی هم دارند، شروع به دف زدن و خواندن اشعار عارفانه می‌کنند و درویش داخل تکیه هم موهای سرشان (پرچ) را پریشان می‌کنند. دوم باخبر شدن درویش از حال و احوال شیخ طریقت است؛ زیرا موقعی که درویش در تکیه جمع می‌شوند، خلیفه، درویش را از حال و احوال شیخ خودشان باخبر می‌کند، چون خلیفه بیشتر از درویش با شیخ در ارتباط است. سوم جمع‌آوری کمک‌های پولی و نقدی برای آن دسته از درویشی است که فقیر و بی‌چیز هستند یا به دلیل کسالت و مرضی به پول احتیاج دارند.

در منطقه هورامان در استان کردستان یکی از تکیه‌هایی که هنوز درویش پیرو آن و بسیاری از زائران از اطراف و اکناف منطقه در شب‌های پنج‌شنبه در آن گرد هم می‌آیند و به مراسم ذکر،

زیارت، دعا و رفع حاجات می‌پردازند، تکیه شیخ هادی در روستای دولاب است که شیخ آن از شیوخ خاندان قادریه سوله‌ای است. نگارندگان در شهریور ۱۳۹۶ در این تکیه حاضر شدند و مشاهدات میدانی خود را از مناسک اجرا شده در این فضا در روز پنج‌شنبه و شب جمعه و نیز امور عادی و فضای آن ثبت کرده‌اند. طبق روال هر هفته، در پنج‌شنبه مردم، زائران و درویش زیادی از شهرها و روستاهای اطراف، برای ذکر، عبادت و زیارت خود را به این تکیه می‌رسانند که تقریباً در ۲۵ کیلومتری شهر سنندج قرار دارد.

در داخل محوطه تکیه (قسمت مردان) افراد زیادی در حال رفت و آمدند. از روی ظاهر و نوع لباس پوشیدن و همچنین طرز حرف زدن آنها می‌توان پی برد که افراد و درویش حاضر در حیاط از نواحی مختلفی مانند قروه، جوانرود، سنندج و جاهای دیگر به تکیه دولاب آمده‌اند. با وجود اینکه شیخ این تکیه اهل تسنن است، بسیاری از درویش شیعه نظیر درویش شهرستان قروه، پیرو و درویش این تکیه هستند. بعد از استراحتی کوتاه و معرفی خود به متولی تکیه که خلیفه رستم نام داشت، گفتگویی با او انجام دادیم. در حین این مصاحبه غوغایی در میان حضار پیچید که شیخ دارد می‌آید. بنابراین با ندا و هدایت خلیفه متولی تکیه، مراسم استقبال از شیخ تدارک دیده شد. در این حین، خلیفه رستم طبل جفتی مخصوص را آورد و با دو تسمه بر روی آن کوبید و به همه حاضران آمدن شیخ را اعلام کرد و از آنها خواست که به پیشواز شیخ بروند و از زنانی که در داخل محوطه بودند، خواست که آنجا را ترک کنند و به تکیه مخصوص زنان بروند (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶).



عکس (۱): استقبال درویش و حاضران در تکیه از شیخ مختار در لحظه ورود به تکیه

اکثر حاضران از پیر و جوان راه افتادند و تا دویست متری تکیه به استقبال شیخ مختار رفتند. جوانان با دف‌نوازی و سر دادن آهنگ‌های عارفانه (شیخانه) به استقبال شیخ رفتند و او را برای ورود به تکیه همراهی کردند. در این هنگام بسیاری از درویش و افراد حاضر به استقبال شیخ رفتند و با او روبوسی کردند و دست و سر وی را بوسیدند. درویش و استقبال‌کنندگان با نواختن دف و ذکرگویان شیخ را تا داخل تکیه همراهی کردند. بعد از ورود شیخ به داخل تکیه اکثر حاضران گرداگرد شیخ، حلقه‌ای تشکیل دادند و مدتی را به ذکر پرداختند. در این هنگام شیخ نیز در میان حلقه آنها قرار گرفت و همانند درویش به ذکر و رقص البته با ریتمی ملایم‌تر مشغول شد که نشان از جایگاه بالاتر وی در حلقه درویش و حاضرینی دارد که به ذکر پرداختند. بعد از پایان رقص و ذکر که برای ورود شیخ برگزار گردید، شیخ به درویش حاضر در تکیه خوشامد گفت و پس از آن، حاضرین به دیدار شیخ رفتند.

نماز جماعت مغرب در تکیه برگزار می‌شود. اول و آخر هر نماز در تکیه با ذکر درویشان همراه است. طریقت قادریه اهل ذکر جلی هستند. بر عکس صوفیان، درویش سعی دارند ذکرشان آشکار و نمایان باشد. بعد از نماز مغرب نوبت به صرف شام می‌رسد. در همان تکیه که نماز خوانده می‌شود، سفره شام نیز پهن می‌شود و به همه کسانی که در آنجا حضور دارند، غذایی تعارف می‌گردد. هر کس سعی می‌کند هر چند اندک، سهمی در این مراسم داشته باشد و کاری انجام دهد، زیرا اعتقاد بر این است که در کار خیر شرکت داشته باشند تا ثوابی نصیب‌شان گردد. با وجود این، اداره و مدیریت تکیه به عهده خلیفه‌های شیخ، به خصوص خلیفه متولی تکیه است که همراه با خانواده‌اش در داخل تکیه مقیم است. بعد از صرف شام، به میهمانان و حاضرین چای تعارف می‌کنند، چند نفری در جمع کردن وسایل همکاری و مشارکت می‌کنند، و تکیه را تمیز می‌کنند تا فضای تکیه برای نماز عشاء و اجرای مراسم ذکر آماده شود. افرادی که برای زیارت، رفع حاجات، ذکر و عبادت به تکیه می‌آیند، هزینه‌های تکیه را تأمین می‌کنند. معمولاً آنها در زمان حضور در تکیه، اقلام و مواد غذایی مانند برنج، قند، نان، روغن، سیب زمینی، گوجه، نان و چیزهای دیگر را به همراه می‌آورند و به خلیفه متولی تحویل می‌دهند و از این عایدات اسباب پذیرایی از میهمانان فراهم می‌شود.

نماز عشاء به جماعت برگزار شد. سپس شیخ وارد گردید و مراسم ذکر آغاز شد. شیخ در محراب تکیه روبروی حضار بر روی صندلی نشست و یک نفر تک‌خوان، شروع به خواندن ذکر کرد. ذکرخوانی با دف‌نوازی همراه است. شیخ با ایما و اشارات دست و بدن، مراسم را کنترل



و راهبری می‌کرد. تکخوان اشعاری را در وصف حضرت علی (ع) و پیران طریقت به دو زبان کردی و فارسی می‌خواند (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶).

یار	ع‌هلی	م‌هولام	ع‌هلی	ده‌رویشان	ع‌هلی
یار	ع‌هلی	م‌هولام	ع‌هلی	کیدری	ع‌هلی
یار	ع‌هلی	م‌هولام	ع‌هلی	ساح‌آب	ع‌هلی
یار	ع‌هلی	م‌هولام	ع‌هلی	الل‌ه	الل‌ه

#### ترجمه:

یار علی مولا علی (تکرار رتمیک به صورت همخوانی)  
 مولای دروایش علی (تکخوانی)  
 یار علی مولا علی (تکرار رتمیک به صورت همخوانی)  
 حیدر کرار علی (تکخوانی)  
 یار علی مولا علی (تکرار رتمیک به صورت همخوانی)  
 صاحب ذوالفقار علی (تکخوانی)  
 یار علی مولا علی (تکرار رتمیک به صورت همخوانی)  
 الله الله گویان به صورت ریتم تند و به صورت همخوانی  
 گزیده دیگر از اشعاری که در مدح عبدالقادر گیلانی معروف به غوث‌العظم به زبان کردی و گویش هورامی می‌خوانند:  
 شا عبدالقادر شا عبدالقادر و زاهر دوور و و باتن حازر  
 شا عبدالقادر شا عبدالقادر ماچان جه به‌غدا جه‌ماعت جه‌من وادی زیارت غوس العزم‌هن  
 شا عبدالقادر شا عبدالقادر ئ‌هم‌ه دوو ش‌ه ش‌ه‌م گ‌رانه م‌جلسی زووقی ده‌روئ‌شانم‌ه  
 شا عبدالقادر شا عبدالقادر

#### ترجمه فارسی:

شاه عبدالقادر شاه عبدالقادر (تکرار رتمیک به صورت همخوانی) - به ظاهر دور ولی در باطن حاضر (تکخوانی)

شاه عبدالقادر شاه عبدالقادر (تکرار رتمیک به صورت همخوانی) - می‌گویند در بغداد جماعت جمع شدند، زمان زیارت غوث الاعظم است (تک‌خوانی) - شاه عبدالقادر شاه عبدالقادر (تکرار رتمیک به صورت همخوانی)

دو روز شمع روشن کرده‌ام (به خاطر) مجلس ذوق درویشان (تک‌خوانی) - شاه عبدالقادر شاه عبدالقادر (تکرار رتمیک به صورت همخوانی).

در ادامه نوبت به سخنرانی شیخ رسید. شیخ مختار هدف از اجرای اعمال مناسکی و عرفانی تصوف و مسلک درویشی را نیل به آرامش می‌دانست و دولاب و تکیه آنجا را همان مکانی می‌دانست که افراد در آن به آرامش دست می‌یابند. وی درباره فلسفه خانقاه، شعر معروف شیخ ابوالحسن خرقانی را خواند که زبانزد دروایش است: «هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید، چه آنکس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد». بعد از پایان سخنرانی، مراسم را با خواندن سرود ادامه دادند. شروع تک‌خوانی همراه با بیان اوصاف الله بود و حضار بعد از ختم هر مصراع با گفتن لا اله الا الله پاسخ می‌دادند. سپس شیخ گفتن سبحان الله را شروع کرد و حضار نیز الله‌گویان او را همراهی کردند. در سرتاسر مراسم، قصیده‌خوانی، سرودخوانی و دف‌نوازی وجود داشت. بعد از اتمام قصیده‌خوانی نوبت به تهلیل‌خوانی رسید که شیخ آن را به فرزندش عمار واگذار کرد. بسیاری از دراویش اذعان می‌کردند که بعد از شیخ مختار پسرش به مقام شیخی در تکیه دولاب می‌رسد. خواندن تهلیل با صدای بلند و با همراهی حضار انجام شد، به ترتیب زیر:

- خواندن سوره اخلاص ۳ بار

- خواندن فاتحه

- خواندن ذکر و وصف پیغمبر (ص)

- گفتن لا اله الا الله

- گفتن و تکرار مدد که ابتدا از مددالله، بعد به ترتیب از حضرت علی (ع)، غوث گیلانی، کاک احمد سلیمانی، سید علی دولاب معروف به ثارالله، شیخ حسین چه چه قلا معروف به پیر کامل، عبدالقادر قمچی رش ملقب به شاه جلال‌الدین، شیخ محمد ذات نخور، شیخ محمد هادی ملقب به سید محی‌الدین (قطب‌العارفین) و در نهایت، از شیخ حاضر که شیخ مختار هاشمی است و عنوان ملقب‌الاخیار را برای خود برگزیده است. بنابراین مدد خواستن در طریقت قادریه

که ریشه خود را از علی (ع) می‌دانند، از ایشان شروع می‌شود؛ سپس رهبران طریقت را دنبال می‌کند تا به شیخ حاضر و رهبر کنونی می‌رسد.

بعد از مددخواهی، مراسم با ذکر الله‌گویان ابتدا با ریتم آرام و سپس ریتم تند ادامه پیدا می‌کند. در این زمان دراویش حاضر در تکیه با بیان ذکر الله و رقص سر و گردن به بالا و پایین، مراسم را پر از شور و هیجان می‌کنند. سپس خواندن «یا حی یا قیوم» با ریتم کند آغاز می‌شود و در ادامه به ذکر پیامبر می‌پردازند و خواندن دعا شروع می‌شود. هر کس در مراسم حضور دارد، دستانش را به سوی آسمان بلند می‌کند و به خواندن دعا و طلب حاجات مشغول می‌شود. در نهایت پسر شیخ، دعاهایی را با صدای بلند خواند و جمع نیز آمین‌گویان ایشان را همراهی کردند. سپس فاتحه‌ای را به روح همه مسلمانان و پیران طریقت اهداء کردند. در ادامه شیخ با زبان عربی و کردی هورامی به ذکر و بیان اوراد پرداخت. سپس به پسر جوانی اجازه دادند تا ذکر خاص قبل از دف‌نوازی را که در اصطلاح محلی «ته لیله» نامند، بخواند و جمعیت حاضر نیز یک صدا او را همراهی کردند (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶).

### ذکر قیام درویشان

تمام مراحل را که بیان شد، می‌توان مقدمه‌ای بر ذکر قیام دانست. البته در طریقت ذکر به صورت دو نوع نشسته و ایستاده است. اولی را «تهلیل» یا «تهلیل» و دومی را «هره» نامند. در تهلیل دراویش به صورت دایره‌وار می‌نشینند و به ذکر خدا مشغول می‌شوند. یکی از تفاوت‌های اصلی طریقت نقش‌بندی با قادریه در همین شکل ذکرخوانی در حالت مناسکی آن است. قادریه قائل به ذکر با صدای بلند است، اما در نقش‌بندی، باید به صورت خفی ادا شود. در ذکر قیام است که مراسم درویشان به اوج خود می‌رسد. در تمام مراحل ذکر، حضار در حالت نشسته ذکر را دنبال می‌کنند، اما در ذکر قیام همگی قیام می‌کنند و حلقه‌ای را تشکیل می‌دهند که در داخل آن، شیخ تکیه و چند نفر از خلیفه‌هایی قرار می‌گیرند که اداره و رهبری مراسم را انجام می‌دهند. در ذکر قیام که بلافاصله پس از ذکر تهلیل آغاز می‌شود، همه شرکت‌کنندگان برمی‌خیزند و همراه با دف، ساز و کوبه‌ای دیگر که «طبل یا تاس» نامیده می‌شود، به اجرای ضربی ذکرهایی از قبیل «الله، حی هو، حی الله» و غیره می‌پردازند. گاه اتفاق می‌افتد که در زمینه ذکر به طور مکرر، آوازی موزون توسط یک یا چند درویش اجرا می‌شود که ترکیب بسیار زیبا و مؤثری پدید می‌آورد.

در این تکیه و در مراسم ذکر قیام، گروهی از دراویش و مردمی که اهل تسنن بودند و شال قرمز رنگ بر گردن خود آویخته بودند، در کنار هم و بدون اینکه دست هم را بگیرند، یک نیم‌دایره تشکیل دادند و چند نفر نیز با دف‌زنی و سر دادن آهنگ‌های ملایم بقیه مردم را به ذکر دعوت می‌کردند. کم‌کم و بعد از چند دور چرخیدن و خواندن اشعار، افراد شروع به حس گرفتن کردند. البته در میان حلقه ذکر، دراویش و افرادی هم مشاهده می‌شدند که اهل تشیع بودند و هنگام ذکر قیام، دستان سایر دراویش شیعه را گرفتند و در کنار دراویش اهل تسنن به ذکر قیام پرداختند. در اینجاست که می‌توان گفت تمایز بین شیعی و سنی رنگ می‌بازد و دراویش از هر دو مذهب در کنار هم قرار می‌گیرند.



عکس (۲): مناسک ذکر قیام<sup>۱</sup>

در حلقه ذکر، چرخش‌های دایره‌وار کاملاً شبیه رقص کردی است. شیخ مختار نیز با باز کردن موهای بلند خود به جمع ذکرگویان وارد شد و همراه با حاضران به آرامی سرش را تکان می‌داد. کم‌کم بر تعداد افراد افزوده و حلقه ذکر کامل‌تر می‌شد. ریتم و صدای دف لحظه به لحظه بلندتر و تندتر و حرکت افراد نیز به تبع آن و همراه با ریتم گویندگان ذکر، سریع‌تر می‌شد. برخی افراد نیز از خود بی‌خود شدند و شروع به بالا و پایین پریدن کردند. صدای دف و ریتم اشعار و حرکات هماهنگ و تند دراویش و گاهی نیز صدای نفس‌های تند آنها همراه با پخش شدن موهای سفید و بلند، منظره‌ای عجیب و عرفانی در فضا ایجاد می‌کرد. این مراسم با خواندن ذکر و همراهی جمع آغاز می‌شود که دراویش حاضر الله‌گویان و با رقص و حرکات سر

۱ در این تصویر دراویش شیعه و سنی در کنار هم قرار دارند و شیخ مختار در وسط میدان مشاهده می‌شود.

که تحت تأثیر دف‌نوازی و ذکرخوانی است، شور خاصی به مراسم می‌بخشد. خلیفه‌ها در این مراسم مدیریت حلقه ذکر را به عهده دارند. بالاتر از همه، دستورات شیخ است که با حرکات و اشارات دست و بدن، ریتم دف‌نوازی و ذکرخوانی را هدایت می‌کند. در این مراسم بسیاری از درویش از خود بی‌خود می‌شوند و به تندی به رقص می‌پردازند که در حالت عادی توانایی انجام آن را حتی برای مدت کوتاهی ندارند. در این میان درویش جوان، میانسال و سالخورده یکدیگر را همراهی می‌کنند. پایان مراسم ذکر قیام، با قصیده‌خوانی شیخ با ریتم آرام و در نهایت، با ادای فاتحه همراه است. سپس حضار به دیدار شیخ می‌روند. کسانی که در زمان ورود موفق به دیدار با شیخ نشده‌اند، با وی روبروسی می‌کنند، بسیاری از افراد مشکلات خود را مطرح می‌کنند و از ایشان طلب دعای خیر دارند و بعد از آن شیخ به اتاق خود می‌رود که در طبقه بالای تکیه قرار دارد و تا پاسی از شب پذیرای مهمانان می‌شود. در کنار تکیه مردان، زنان نیز در تکیه خود به ذکر می‌پردازند. البته در میان حلقه ذکر، بیماران نیز حضور داشتند و در حالت نشسته، به امید شفا و درمان و بدون هر گونه حرکتی مشغول ذکر و نظاره‌گر دیگران بودند.



عکس (۳): حضور بیماران در وسط حلقه ذکر قیام برای طلب شفاعت

پس از ختم مراسم، زنان در داخل تکیه مخصوص خود می‌خوابند و مردان به فکر پیدا کردن جایی برای استراحت و خوابیدن هستند. عده‌ای در حیاط تکیه، عده‌ای هم روی پشت بام و افراد مسن، سالخورده و بیمار نیز در داخل تکیه می‌خوابند. در تکیه روستای دولاب به اندازه

کافی پتو و وسایل مورد نیاز برای استراحت وجود دارد که عمدتاً زائران و مراجعه‌کنندگان آنها را تأمین کردند (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶).

### تکیه (خانه درویشان)

به مکانی برای ذکر و عبادت خداوند، سلوک و راز و نیاز با مرشد تکیه گفته می‌شود. پیروان طریقت قادری معتقدند که تکیه مکانی است که بین واردشوندگان و کسانی که در آن اقامت دارند، به سرعت ارتباط روحی برقرار می‌شود. فضای درونی تکیه شبیه مسجد است. محراب دارد، اما برخلاف مسجد منبر ندارد. زیرا منبر مختص برگزاری نماز جمعه و ادای خطبه‌ها است و در تکیه روستای دولاب نماز جمعه برگزار نمی‌شود. معمولاً بر روی دیوار محراب شمایل پیغمبر (ص) و تعدادی از شیوخ طریقت قرار دارد. مجلس معمولاً بعد از نماز عشاء شروع می‌شود. درویش یکایک وارد می‌شوند، به سوی محراب می‌روند و بر دیوار محراب زیر شمایل مزبور را می‌بوسند. سپس دور هم جمع می‌شوند و در مورد مسائل روز حرف می‌زنند. درویش در فصل تابستان کمتر در داخل تکیه می‌خوابند، مگر کسی که بیمار باشد، ناتوان از بیدار ماندن باشد یا کسی که خستگی بر او چیره شده باشد. آنها سجاده‌هایی بر روی خود می‌کشند و می‌خوابند. کسانی هم هستند که در آنجا به عبادت و شب زنده‌داری مشغول هستند (مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، ۱۳۹۶).



عکس (۴): نگارندگان مقاله در کنار خلیفه متولی تکیه دولاب<sup>۱</sup>

۱ در این تصاویر نگارندگان در کنار خلیفه متولی تکیه دولاب دیده می‌شوند. یکی از نشانه‌های متمایزکننده درویش پیرو تکیه دولاب، استفاده از شال قرمز رنگی است که در تصویر بر دور گردن یکی از نگارندگان این مقاله بسته شده است.

## معماری تکیه

معماری تکیه دولاب از فضاهای متعدد شامل ورودی، صحن ورودی، سرویس بهداشتی، حوض، آسیاب، فضای مخصوص مردان و زنان، فضای مرقد، چله‌نشینی، آشپزخانه، حجره، حمام و اتاق استراحت تشکیل شده است.

ورودی اصلی تکیه دولاب در قسمت جنوب شرقی قرار دارد. در ابتدای ورودی، دری وجود دارد که طویله و محل نگهداری حیوانات اهلی و در حال حاضر بدون استفاده است. با ورود به تکیه در سمت راست آن آسیای آبی متعلق به تکیه مشاهده می‌شود. بعد از طی مسیر ورودی و نرسیده به صحن تکیه، حوضی وجود دارد که طرز قرار گرفتن آن به صورتی است که سایه زائران در آن می‌افتد. اعتقاد بر این است که هر فرد با ورود به فضای تکیه باید پاک باشد و در واقع، سایه در این حوض غسل می‌گیرد. روبروی حوض سرویس بهداشتی قرار دارد که معماری این سرویس در نوع خودش جالب است. سیستم آبرسانی به این سرویس‌ها سنتی است و از طریق جوی آبی هدایت می‌شود و در ورودی هر سرویس، انشعابی از جوی اصلی برای مصرف داخل سرویس در نظر گرفته شده است. در این قسمت حمام نیز قرار دارد که برخی از زائران در آنجا غسل می‌کنند. در تکیه اهمیت جایگاه مکان‌ها با میزان ارتفاع آنها مشخص می‌شود. برای مثال سقف سرویس‌های بهداشتی هم‌سطح کف تکیه است و پایین‌تر از آن قرار دارد.

فضای داخلی محوطه تکیه دولاب، از سه بخش تشکیل شده است که این فضا بیشتر مردانه است و به نوعی می‌توان گفت که فضای این معماری، مردم‌محور است و زنان فقط در بخشی از تکیه قرار گرفته‌اند که می‌توان آن را اندرونی نامید. بخش اول که به داخل تکیه مردان منتهی می‌شود، جایی است که شیخ با ورود خود به تکیه ابتدا در آنجا، دقایقی به ذکر می‌پردازد؛ سپس روبروی مرقد می‌ایستد، ادای احترام می‌کند و فاتحه برای ارواح مردگان می‌فرستد. در این بخش، یک اصله درخت توت کهنسال وجود دارد که به نوعی تقدس دارد و حاجت‌مندان به آن دخیل می‌بندند. بخش دوم، مکانی در آغاز ورودی مرقد است. در این مکان اکثر درویش به ذکر و دف‌نوازی می‌پردازند. بخش سوم، پشت‌بام سرویس‌ها است که با سایه درختان احاطه شده است و محل استراحت و خواب زائران است.

فضای روبروی تکیه، رواق نام دارد که در وسط آن دری وجود دارد که زنان از آنجا وارد بخش مختص به خود می‌شوند. تکیه مردان شامل دو اتاق است که در سمت راست و چپ

رواق قرار دارد. در نهایت می‌توان گفت که تکیه دولاب دارای فضاهایی مانند نمازخانه، محل انجام مراسم و مناسک درویشان، محل صرف غذا و محل اسکان و خواب مهمانان است. در صحن دوم قسمت مردان، مرقد وجود دارد. درهای ورودی مرقد طوری طراحی شده‌اند که زائران به هنگام ورود باید خم شوند. در واقع، سقف کوتاه آن به منزله خشوع، تعظیم و نشانه احترام است. مرقد از دو اتاق تشکیل شده است. در بخش ورودی آن، سه قبر قرار دارد و در بخشی از این اطاق و در سمت چپ آن دری وجود دارد که به چله‌خانه منتهی می‌گردد. چله‌نشینی در داخل این اتاق تنگ و باریک انجام می‌شود. فرد داوطلب با اجازه مرشدش چهل روز را در این مکان با چهل عدد خرما سپری می‌کند. او در این مدت به ذکر و عبادت می‌پردازد و جسم و روحش را پاک می‌کند. مراسم چله کشیدن سختی‌های خاص خود را دارد. در چند روز اول شیاطین به هر طریقی سعی می‌کنند آن فرد را از ادامه راه منصرف کنند و او باید از روح اولیاء و راهنمایی‌های مرشد کمک بگیرد و این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد. در بخش تکیه زنان، آشپزخانه، منزل خلیفه، و ورودی طبقه بالا واقع شده است. داخل آشپزخانه دیگ‌های بزرگی قرار دارد و در همین جا برای درویش، زائران و مراجعه‌کنندگان غذا تهیه می‌شود (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶). در نهایت می‌توان گفت که نقشه تکیه شامل فضاهای خاص مانند صحن، محل ذکر، اتاق چله‌نشینی و سایر مکان‌های خدماتی است. چینش مکان‌ها در نقشه بر اساس مبانی اعتقادی صوفیه است؛ به طوری که صحن و محل ذکر در مرکز (یادآور نقطه و دایره) و فضاهای دیگر در اطراف آن و طبقه‌بندی آن بر اساس مراتب جایگاه اجتماعی شیخ و مریدان است و تعبیه فضاهای خدماتی در اطراف یادآور دل‌مشغولی به دنیا است. تکایا در بیشتر موارد از شهرها دور هستند و حس رهبانیت و گوشه گرفتن از خلق را به ساکنان خود القاء می‌کنند. فضاسازی هدفمند یکی از ویژگی‌های معماری عرفانی است که در القای حس مورد نظر هنرمند دینی به مخاطب خود می‌کوشد.

### جایگاه اجتماعی-اقتصادی شیوخ قادری در منطقه هورامان

تا قبل از یکی دو دهه اخیر، شیوخ نقش بسیار مهمی را در جامعه هورامان بازی می‌کردند. آنان بر ساختار دینی و فکری مردم منطقه هورامان تأثیر زیادی داشتند و برای آنها الگوی اخلاقی و مذهبی به شمار می‌رفتند. در بین ساکنان منطقه هورامان، شیوخ، به ویژه شیوخ نقش‌بندی به ریاست شیخ عثمان نقش‌بندی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بودند. به همین دلیل در



منطقه هورامان، سه باغ متعلق به وی وجود دارد که مردم هدیه کرده‌اند. شیوخ نقش مهمی در اداره امور اجتماعی و مذهبی به عهده داشته‌اند؛ از جمله دعوت از مردم برای مشارکت و همکاری در امور و مسائل روستاها، حل و فصل اختلافات طایفه‌ای و خانوادگی و ... طی مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تکیه عباس، آنها بیان کردند که در دوران حیات شیخ احمد عباس‌آباد که در بین مردم از جایگاه دینی و اجتماعی بالا برخوردار و صاحب کرامات زیاد بود، بارها و بارها مردم منطقه از وی برای حل مشکلات و اختلافات ملکی و ارضی میان دو روستای کلجی و ناو دعوت کردند و ایشان به دلیل نفوذ و احترام بسیاری که در بین مردم این دو روستا داشت، اختلافات پیش‌آمده را برای همیشه حل کرد و از آن زمان تاکنون شاهد اختلاف بین آنها نیستیم. از سوی دیگر نکته مهمی که باید بیان کرد، وجود نظام قشربندی شبه‌کاستی دوران زرتشتی در منطقه هورامان است. با وجود کنار گذاشته شدن ساخت کاستی در اسلام، این سنت طبقاتی در میان طریقت‌های نقش‌بندی و قادری در مناطق هورامان اعمال شده است؛ به گونه‌ای که شیوخ، کرامات را از طریق خون و ارث به فرزندان‌شان منتقل کنند و علاوه بر جایگاه مقدس و دست‌نیافتنی خود و خانواده‌شان، از امتیازات کاست‌های بالای جامعه زرتشتی مانند مالکیت، برخورداری از زنان زیبا، تقدس و ... نیز برخوردار باشند. هر شیخ علاوه بر نفوذ فراوان در میان مردم، در روستاهای مختلف، باغات مرغوب و پرثمری داشت که هرس، آبیاری، مواظبت، برداشت محصول و ... به عهده اهالی روستا بود و مردم با رضایت و میل خود همه کارهای باغ وقفی شیخ را انجام می‌دادند. علاوه بر کار باغداری، سالیانه هدایایی نیز به شیخ پیشکش می‌کردند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در جامعه هورامان «شیوخ و خلفا نقش روحانی، قاضی، پزشک، و روان‌پزشک را توأمان انجام می‌دادند. آنان به ظاهر می‌توانستند در برابر ظلم زمین‌داران از روستاییان دفاع کنند. آنان از محل نذورات مریدان هر روز با افراط سفره پهن می‌کردند و با این عمل مریدان را بیشتر به خود وابسته می‌کردند و بر نفوذ خویش می‌افزودند. راه دیگر آنان برای گسترش مداوم نفوذ خود، میانجی‌گری در حل اختلافات عشایر و مقامات محلی بود» (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴). محمدپور نیز در تحقیق خود، برتری شیوخ را اینگونه توضیح می‌دهد: «مشایخ و وابستگان آنها در منطقه هورامان سنتی، از قدرت و اعتبار اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. آنها بر بسیاری از امور اجتماعی مردم نظارت داشته و از طرف مردم هدایایی مانند باغ و امکانات اقتصادی فراوان دریافت می‌کردند. مشایخ هورامان گرچه دارای قدرت سیاسی نبودند، اما در شکل‌گیری نگرش‌های مردم و نظام اعتقادی آنان سهم

بسیاری داشتند. برتری مشایخ در نظام سنتی هورامان یکی از منابع ایجاد نابرابری سنتی نیز بوده است» (۱۳۹۲: ۱۷۶). رهبران طریقت‌های کردستان به ویژه در منطقه هورامان به دلیل برخورداری از دریافت نذورات، اوقاف، هدایا و ارتباط با خوانین و بزرگان به لحاظ سرمایه اقتصادی از توان بالایی برخوردار بوده‌اند و در مواقع قحطی و فقر به دلیل برخورداری از ذخایر مالی و خوراکی فراوان توانسته‌اند در میان مردمان فقیر به جایگاه والایی دست یابند و آن را بازتولید کنند. این گروه علاوه بر وجه کاریزماتیک، مذهبی، رفاه و توان مالی، در زمینه آموزش مذهبی نیز فعال بوده و توانسته‌اند بسیاری از ملاها و علمای دینی کردستان را در مدارس دینی خود آموزش دهند و به نوعی وابسته خود کنند و بر نفوذ خود بیفزایند؛ هر چند در میان سایر علمای کرد مخالفان بسیاری داشته‌اند. به طوری که یکی از مشهورترین عالمان و شاعران کرد حاجی قادر کویی در مورد آنها می‌گوید: «زمانی که صوفی یا درویشی در این جامعه عرض اندام کند، خوشبختی و سعادت ملت امکان‌پذیر نیست». در کل باید صوفیه و شیوخ و طرفداران آنها را یکی از قدرتمندترین جریان‌های مذهبی در کردستان و به ویژه هورامان در گذشته‌ای نه چندان دور دانست (منصوری مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۵).

### نتیجه‌گیری

نظام باورها و عقاید از مهمترین ارکان زندگی مردم است و به قدری اهمیت دارد که یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت افراد شناخته می‌شود و تحولات آن می‌تواند باعث تغییرات بسیار در اعمال و رفتارها گردد. این نظام، سازنده بخش بزرگی از فرهنگ و همراه با نیازها و آرزوهای مردم است. هنوز در منطقه هورامان افرادی باایمان و دارای باورهای مذهبی سفت و سخت مشاهده می‌شوند؛ به گونه‌ای که در مساجد، تعداد زیادی از مردم و جوانان را می‌توان در صف نماز یا فعالانه در حال اجراء مراسم مذهبی دید که با سایر مناطق کردنشین قابل مقایسه نیست. این موضوع بیانگر اهمیت مقوله دین در جامعه هورامان و جایگاه طریقت‌های دوگانه نقش‌بندی و قادری از گذشته‌های دور تاکنون است. مشایخ طریقت قادریه علاوه بر نفوذ سیاسی که داشتند، در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره نیز تأثیرگذار بودند. به لحاظ اقتصادی نفوذ طریقت‌ها در میان مردم تا حدی بود که مریدان و طرفداران این طریقت حاضر بودند همه دارایی و جان خود را در راه شیخ و مرشد خود بدهند و همیشه هدایای بسیاری را به تکیه‌ها و خانقاه‌ها می‌بخشیدند و همین امر باعث شد روز به روز بر ثروت مشایخ افزوده شود. در بخش خدمات

عمومی نیز مشایخ و بزرگان طریقت‌ها نقش مهمی داشتند. در جمع‌بندی می‌توان گفت آیین دین‌ورزی طریقت قادریه به قول دورکیم همبستگی اجتماعی را در میان پیروان این آیین و مناطق مختلف کردستان به وجود آورده است. با وجود این در دهه اخیر رواج بحث‌های جدید در اعتبار مطلق این گفتمان تغییر ایجاد کرده است. از یک طرف، این بحث‌های جدید مجالی را برای نقد عملکرد به وجود آورده‌اند و از طرف دیگر، دین‌ورزی دراویش از سوی افراد تحصیل کرده و قشر جوان به عنوان مؤلفه‌ای از سنت تلقی شده است. اما دین‌ورزی دراویش طریقت قادری هنوز تعبیری زنده و پویا از دین‌ورزی است. آنچه رخ داده است، قرار گرفتن دین‌ورزی دراویش قادری در حیطه‌ای معین‌تر و محدودتر است که حیطه‌ای معنوی، عرفانی و فردی است. در واقع شرایط جدید، با ارتقاء وجدان فردی و کاهش وجدان جمعی، با مذهبی درون‌گراتر، فردی‌تر یا بی‌شکل تناسب دارد. مناسب ذکر با تأکیدی که بر اظهار حالات درونی فرد دارند و با شور و شوق و هیجانی که ایجاد می‌کنند، متناسب با شرایط جدید هستند. این طریقت از لحاظ اجتماعی در بین همه اقشار رواج دارد. به لحاظ موسیقایی نیز می‌توان گفت که موسیقی دراویش قادری ناظر به ایجاد وجد و جذب و اهمیت دادن به حالات درونی است. اگر «ذکر» شاخص‌ترین چهره آیین درویشی در کردستان است، نمایش‌های خارق عادت نظیر تیغ‌زنی و آتش‌خواری، شاخص‌ترین چهره این آیین در چشم مردم مناطق دیگر است و دراویش قادری با انجام این نمایش‌ها شناخته می‌شوند؛ هر چند اهالی منطقه معتقدند که بنیان‌گذار این طریقت به هیچ وجه انجام چنین اموری را جایز ندانسته است و دراویش اجازه انجام آن را ندارند. بنابراین درویشی که به درجه‌ای رسیده باشد که بتواند چون پرنده در آسمان پرواز کند یا مانند ماهی در اعماق دریاها فرو رود، اگر ذره‌ای بر خلاف شریعت و سنت پیامبر عمل کند، دیگر درویش نیست، بلکه زندیق است. بر این اساس، شیوخ منطقه هورامان به هیچ وجه اجازه انجام این قبیل امور خارج از عرف را به دراویش نداده‌اند و تأکید آنها در هنگام توبه پرهیز از این کارها است. با وجود این، گاهی شاهد اجرای این امور توسط عده‌ای خاص از دراویش هستیم. این گروه از دراویش به اذن شیخ خود و در صورت لزوم برای اثبات کرامات شیخ و طریقت، در پیشگاه افرادی که هیچ اعتقادی به این موضوع ندارند و منکر شیخ و طریقت هستند، به انجام کارهای مزبور می‌پردازند. در حال حاضر بعد از مرگ شیوخ بزرگ منطقه، رواج دنیاگرایی و عدم گرایش جوانان به طریقت، شاهد کم رنگ شدن این اعمال هستیم.

## منابع

- احمدی. یعقوب و نمکی. آزاد (۱۳۹۶). اسلام بنیادگرا در تقابل با اسلام صوفیانه: تحلیل ریشه‌های جامعه‌شناختی رشد سلفی‌گری در کردستان. مطالعات اجتماعی ایران. ۲ و ۳. ۳۵-۴.
- اقبال لاهوری. محمد (۱۳۴۵). احیای فکر دینی در اسلام. ترجمه احمد آرام. تهران: مؤسسه فرهنگ. الیاده. میرچا (۱۳۷۵). اسطوره، رویا، راز. ترجمه رویا منجم. تهران: فکر روز.
- ایمانی. محمدتقی (۱۳۸۱). تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. ۴۵ (۱۸۴ و ۱۸۳). ۳۷-۶۲.
- بک فورد. جیمز (۱۳۸۹). دین و نظریه اجتماعی؛ رهیافت سازنده‌گرایی. ترجمه مسعود آریایی‌نیا. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بووی. فیونا (۱۳۹۴). مقدمه بر انسان‌شناسی دین. ترجمه مهرداد عربستانی. تهران: افکار.
- پورمحمدی املشی. نصرالله و جوانمردی. علی (۱۳۹۶). نقش شیوخ اورامان در تحولات سیاسی تاریخ معاصر با تکیه بر جنگ جهانی اول. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. ۵ (۲). ۹۴-۷۹.
- تابانی. حبیب‌الله (۱۳۸۰). وحدت قومی کرد و ماد، منشأ نژاد و تاریخ تمدن کردستان. تهران: گستره.
- تامپسون. کنت و همکاران (۱۳۸۱). دین و ساختار اجتماعی. ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی. تهران: کویر.
- دورکیم. امیل (۱۳۸۳). صور بنیادین حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- رستم. ایوب (۲۰۰۸). هورامان. نشر هه ورامان.
- زاکرمن. فیل (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: حکمت.
- زراعی مهرورز. عباس (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی طریقت‌های کردستان در آغاز قرن بیستم. تحقیقات تاریخ اجتماعی. ۵ (۱). ۸۱-۶۵.
- زرین‌کوب. عبدالحسین (۱۳۶۲). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیر کبیر.
- زیمل. جرج (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی دین. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.
- طیبی. حشمت‌الله (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه تهران.
- کریمیان سردشتی. نادر (۱۳۸۰). تذکره عرفای کردستان. تهران: نگاه سبز.
- کیانی. محسن (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: فروغ دانش.
- محمدپور. احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی. تهران: جامعه‌شناسان.

- مفاحری باشماق. جمیل و سلطانیان. شریف (۱۳۹۸). شناسایی شرایط علی تأثیرگذار بر اقتصاد مرزی: مورد مطالعه استان کردستان. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. ۸(۲). ۳۱۰-۲۷۹.
- مک داول. دیوید (۱۳۸۰). تاریخ معاصر کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید.
- منصوری مقدم. منصور و همکاران (۱۳۹۶). طرح پژوهشی مطالعات مردم‌شناسی منطقه هورامان استان کردستان. میراث فرهنگی استان کردستان (پایگاه منظر- فرهنگی هورامان).
- موسایی. میثم و عزیزبانی‌فر. جمال (۱۳۸۶). پژوهشی در آیین دینداری و دین‌ورزی طریقت قادریه در مناطق کردستان. نامه انسان‌شناسی. ۴(۸). ۱۷۱-۱۴۰.
- مولند. اینار (۱۳۶۸). جهان مسیحیت. ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری. تهران: امیرکبیر.
- نادری. احمد (۱۳۹۵). تحلیل انسان‌شناختی طریقت قادریه طالبانی در منطقه هورامان لهون. مطالعات فرهنگ ارتباطات. ۱۷(۳۳).
- وان برونسن. مارتین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی مردم کرد: آغا، شیخ و دولت، ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید.

- Bryaman. A. (2004). **Social Reserch Methods**. Oxford: Oxford University Perss.
- Newman. I. (1998). **Quantitive Research Methodology: Exploring the Interactive Continuum**. Carbondale: Southern Illinois University Perss.
- Otto. R. (2004). **Das Heilige: Über das Irrationale in der Idee des Göttlichen und sein Verhältnis zum Rationalen**. 2 Auflage. München: C.H. Beck.
- Van Bruinessen. M. (1994). **Kurdish Nationalism and Competing Ethnic. Peoples Méditerranéens**. 68-69. 11-37.

